

بازنمایی نقش اجتماعی-سیاسی زنان در کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی

فهیمه فرهمندپور^۱، الهام بحرانی فرد^{۲*}

چکیده

کتاب‌های درسی، در کنار آموزش دانش‌آموزان، آن‌ها را برای پذیرش نقش‌های متناسب با ویژگی‌های جنسیتی‌شان، آن‌گونه که مدنظر مؤلفان این کتب است، آماده می‌کنند. پژوهش حاضر در صدد است به چگونگی بازنمایی نقش اجتماعی-سیاسی زنان در کتاب‌های درسی دو مقطع ابتدایی و راهنمایی، در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ بپردازد. روش تحقیق، تحلیل محتوای کتب بر اساس شاخص جنسیت در بین تصاویر و متن دروس است. آنچه مسلم است، باید دید عمومی به نقش‌های زنان بسط داده شود و بسیاری فعالیت‌ها مانند: فعالیت‌های خیریه و امور عام‌المنفعه، امدادگری، و انجام‌دادن فریضه‌های اجتماعی مهمی مانند: امر به معروف و نهی از منکر به‌منزله فعالیت‌های اجتماعی مهمی که زنان جامعه به آن مشغول‌اند مورد توجه قرار گیرد. همچنین، دسته‌بندی و تحلیل محتوای گزاره‌های توصیفی و هنجاری نشان می‌دهند که بیشتر گزاره‌ها و تصاویر موجود در کتاب‌های درسی توصیفی است، اما توصیف آن‌ها از مقوله‌های نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در بیشتر موارد، حضور گسترده و رو به افزونی زنان را در فعالیت‌های اجتماعی به‌درستی منعکس نمی‌کند.

کلیدواژگان

بازنمایی، تحلیل محتوای کمی، زنان، کتاب‌های درسی، متون آموزشی، نقش اجتماعی.

farahp@ut.ac.ir

ebahranifard@ut.ac.ir

۱. استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱/۱۸

مقدمه و بیان مسئله

جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن، ارزش‌ها و هنجارهای هر جامعه در افراد درونی می‌شود. جامعه‌پذیری جنسیتی بخش مهمی از این فرایند است که طی آن افراد هر یک از دو جنس وظایف و نقش‌های خود را می‌آموزند. مهم‌ترین نهادی که ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه را در افراد درونی می‌کند، خانواده و پس از آن، آموزش و پرورش است که اثرگذارترین نهاد در جهت جامعه‌پذیرکردن افراد به‌شمار می‌آید. افراد معمولاً سال‌های متمادی از دوران کودکی و نوجوانی خود را تحت آموزش‌های ارائه شده در نهاد آموزش و پرورش می‌گذرانند و به واسطه این آموزش‌های رسمی، سعی بر این است که رفتارهای مطلوب اجتماعی در آن‌ها نهادینه شود. کودکان، عموماً، قبل از ورود به مدرسه، به واسطه سایر اعضای خانواده و همچنین از طریق انواع رسانه‌های دیداری و شنیداری، الگوهای رفتاری متفاوتی را درباره نقش‌های جنسیتی می‌آموزند و درونی می‌کنند. اما از زمان ورود به مدرسه، این فرایند شکل رسمی به خود می‌گیرد و در یک نظام آموزشی متمرکز، کتاب‌های درسی نقش بسیار مهمی در ساختن باورهای جنسیتی دختران و پسران ایفا می‌کنند.

محتوای کتاب‌های درسی ضمن توجه به ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان، باید آن‌ها را با نقش‌های مختلف اجتماعی- فرهنگی و خانوادگی آشنا کنند، برای آن‌ها الگوی هویت‌یابی به عنوان زن و مرد فراهم کنند، و آن‌ها را برای درک دگرگونی‌های اجتماعی آماده کنند. به عبارت دیگر، کارکرد کتاب‌های درسی علاوه بر افزایش دانش پایه، ارتقای دانش اجتماعی و جنسیتی دانش‌آموزان است [۱۳، ص ۱۲۵]. در کشور ما نیز، در مهم‌ترین سند بالادستی آموزش و پرورش در سال‌های اخیر، یعنی «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»^۱ به این مهم اشاره شده است. محتوای این سند در فصل ششم و در راهکار ۵-۶ بر «طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش‌های دختران و پسران» تأکید دارد. بنابراین، نمایش صحیح زنانگی و مردانگی در کتاب‌های درسی هم یک ضرورت است و هم نقش مهمی در نهادینه‌کردن الگوی مناسب و مطلوب جنسیتی در ذهن دختران و پسران جامعه دارد و باعث می‌شود با قرارگرفتن در جایگاه شایسته خود در خانواده و اجتماع، مسیر تکامل را به بهترین شکل طی کنند. این پژوهش مؤلفه‌های مربوط به نقش اجتماعی را به تفکیک جنس با توجه به متن یا تصویر، توصیفی یا هنجاری بودن در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی بررسی می‌کند، تا با آشکارکردن نقاط قوت به استمرار و تقویت آن‌ها کمک کند و با نشان‌دادن کاستی‌های الگوی ارائه‌شده برای نقش‌پذیری و فعالیت اجتماعی، در جهت رفع این نقایص در کتاب‌های موجود و در فرایند تألیف کتاب‌های جدید گام بردارد. شایان ذکر است که در این پژوهش

۱. مصوب ۱۳۹۰/۷/۵، شورای عالی انقلاب فرهنگی

اولویت بررسی نقش‌های زنان است، اما نقش‌های مردان نیز به‌منزله واحدی برای مقایسه در نظر گرفته شده است.

مروری بر مفاهیم و نظریه‌ها

نقش و پایگاه اجتماعی

نقش واژه‌ای است که از تئاتر به علوم اجتماعی راه یافته و در گذر زمان دچار دگرگونی شده است [۱، ص ۳۲۲]. در واقع، نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است، انتظار دارند. مفهوم نقش با مفهوم پایگاه اجتماعی رابطه دارد. پایگاه به موقعیت اجتماعی و جایگاهی اطلاق می‌شود که فرد در گروه یا مرتبه اجتماعی یک گروه، در مقایسه با گروه‌های دیگر، احراز می‌کند [۲۰، ص ۸۰]. می‌توان گفت پایگاه، جایگاهی در ساختار اجتماعی است که فرد آن را اشغال می‌کند، اما نقش جنبه عملکرد سازمانی است که از اشغال‌کننده موقعیت انتظار دارند [۱۶، ص ۱۴۷].

نقش اجتماعی برای گروه‌های مختلف در هر جامعه مطابق با نظام ارزشی آن جامعه تعریف می‌شود، زیرا اساساً نقش اجتماعی مکانیزم اصلی بیان ارزش‌هاست. ارزش‌های اجتماعی با الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی یک جامعه ارتباط بسیار نزدیکی دارند. این رابطه در یک مفهوم کلی، در تعریف لینتن^۱ از نقش‌های اجتماعی نهفته است:

نقش‌ها اجزای لاینفک عناصر فرهنگی فردند... این مفهوم مجموعه کلی الگوهای فرهنگی پیوسته با پایگاهی خاص را می‌رساند. پس شامل طرز تلقی ارزش‌ها و رفتارهایی می‌شود که جامعه بر هر یک یا تمامی افرادی که این پایگاه را احراز نموده‌اند، تفویض می‌دارد [۷، ص ۷۲۴].

پایگاه اجتماعی نیز، به زعم لینتن، وضعی است که یک فرد در زمان و نظامی خاص احراز می‌کند. در واقع، پایگاه مجموع حقوق و وظایف است در برابر نقش اجتماعی که اعمال این حقوق و وظایف را می‌رساند. پایگاه اقتصادی، که با میزان ثروت سنجیده می‌شود، فقط یک بعد از پایگاه اجتماعی را نشان می‌دهد. عواملی دیگر چون: فرهنگ، مذهب، و... که هر یک بر حسب جامعه اعتباری خاص به افراد می‌بخشند، در سنجش پایگاه اجتماعی مطرح می‌شوند. برخی دیگر از محققان پایگاه را عبارت از ارزشی می‌دانند که یک جمع (گروه یا جامعه) برای نقشی خاص قائل می‌شود. در مجموع، چنین به نظر می‌رسد که پایگاه اجتماعی وضعی است که یک شخص یا گروه در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد. پایگاه اجتماعی همان‌طور که

روابط افراد و گروه‌ها را با یکدیگر مشخص می‌دارد، تعیین کننده حقوق و وظایف انسان‌ها در گروه‌های اجتماعی نیز است [۷، ص ۷۳۰].

به زعم وبر^۱، در مقابل وضع طبقاتی که بیشتر بعدی اقتصادی دارد و شانسی مشخصی را در دستیابی به کالاها و شرایط خاص مادی و انتظارات مشخص از زندگی می‌رساند، وضع پایگاهی با شأن و حیثیت سروکار دارد. وبر با تمایز بخشیدن میان انواع قشربندی که عبارت‌اند از: قشربندی مبتنی بر طبقات اجتماعی و قشربندی مبتنی بر منزلت و حیثیت اجتماعی و قشربندی مبتنی بر قدرت سیاسی، به بررسی رابطه بین آن‌ها می‌پردازد. هر یک از این ابعاد سه‌گانه در واقعیت اجتماعی با یکدیگر تلفیق شده و نظام حقیقی قشربندی را در یک جامعه معین پدید می‌آورند [۶، ص ۱۶۱].

عام‌ترین، شایع‌ترین، و مهم‌ترین معیارهای ارزیابی‌کننده پایگاه اجتماعی عبارت‌اند از: میزان و نوع تحصیلات فرد، اصل و نسب خانوادگی، درآمد، خصوصیات بیولوژیکی (مانند جنسیت) و در جامعه‌هایی که دین و بدنه دینی در ساختار اجتماعی نقش مهمی دارند، تحصیلات عالی دینی و اعتبار حوزه‌های علمی که از آنجا درجه اجتهاد گرفته شده است [۲۴، ص ۶۶-۶۹].

«مشارکت سیاسی» هم عموماً به‌صورت فعالیتی آگاهانه، هدفمند، و در بسیاری موارد برنامه‌ریزی شده تعریف شده است.

مشارکت سیاسی، مشارکتی مسالمت‌آمیز است. از جمله مشارکت در برگزیدن و برگزیده شدن در همه سطوح ملی و فراملی، فعالیت در احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل حزب و گروه سیاسی برای دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان سیاسی که با سرنوشت جامعه ارتباط دارد [۲۳، ص ۲۹].

اما اگر حضور زنان را در فعالیت‌های اجتماعی یا سیاسی با قالب‌های مشخص و برنامه‌ریزی شده به‌منزله تنها راه مشارکت اجتماعی یا سیاسی زنان بپذیریم، با مصادیق بسیار اندکی مواجه خواهیم شد. نگاه دیگری در بین محققان، و به‌خصوص محققان حوزه زنان، وجود دارد که معتقد است قرار دادن قالب‌های مشخص برای مشارکت، مفهوم مشارکت را محدود می‌کند. در واقع، گاهی افراد پس از آنکه سطحی از بینش اجتماعی و فهم سیاسی یافتند، در رفتارهایی غیرقالبی- مانند حضور در کنش یا واکنشی مردمی از جمله شرکت در راهپیمایی‌ای سیاسی یا اجتماعی- بر روند مسائل سیاسی یا اجتماعی تأثیری مهم خواهند گذاشت. این گونه برخورد که از حساسیت ذهنی و عاطفی افراد به مقوله‌های اجتماعی حکایت می‌کند، نوعی مشارکت سیاسی یا اجتماعی است؛ اگر چه به صورت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ای کلان دخالت نکرده یا در قالب حزب فعالیت ننموده‌اند [۱۷، ص ۲۳۴].

بنابراین، برای گسترش این تعاریف و با توجه به نقش دین در شکل‌دهی مناسبات بین افراد و همچنین بین فرد و جامعه در یک جامعه دینی، نیاز به توجه به شاخص‌های دینی برای مشارکت زنان عمیقاً احساس می‌شود. در این میان، آنچه به منزله شاخصی دینی برای مشارکت اجتماعی زنان شناسایی می‌شود آن است که زنان بنابر: ۱. نیازهای واقعی خود و جامعه؛ ۲. قابلیت‌ها و توان زنانه خویش؛ ۳. مسئولیت‌های انسانی و الهی؛ و ۴. با استفاده از همه فضاهایی که شریعت برای تأثیر در جامعه با هدف ساختن جامعه‌ای الهی و سالم مدنظر داشته به مشارکت اجتماعی بپردازند [۱۷، ص ۲۵۷]. بنابراین، ما در این تعریف گسترش یافته هرگونه کمک مستقیم زنان به ارتقای وضعیت جامعه از نظر ارتباط‌های مدنی و همیاری‌های اجتماعی، یا هرگونه عمل آگاهانه به منظور تقویت همبستگی و نشاط اجتماعی و کارآمدی در مسیر سعادت بشری را مشارکت اجتماعی به حساب می‌آوریم؛ مثلاً، امر به معروف و نهی از منکر، که مهم‌ترین مفهوم اجتماعی در گزاره‌های دین اسلام است، فریضه‌ای است که سایر فریضه‌ها به واسطه آن برپا می‌شوند و موجب سامان‌یافتن امور و احقاق حقوق و آبادانی زمین است [۱۹، ص ۵۶] که بسیار به آن سفارش شده و در این سفارش تفاوتی بین مرد و زن وجود ندارد [توبه/۷۱]. این فریضه مهم اجتماعی، که پایبندی به آن ضامن حیات جامعه و ترک آن موجب تسلط ظالمان بر جامعه است [۲، ص ۲۵۴]، در هیچ‌یک از تعاریف مرسوم از نقش‌آفرینی اجتماعی مورد توجه قرار نگرفته و حال آنکه یکی از مصادیق مهم فعالیت سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی، تلاش در جهت توسعه حق و عدالت است. همچنین، یکی از عرصه‌هایی که زنان نقش بسیار مهم و کلیدی در آن داشته و دارند، عرصه وقف با عنوان یک نهاد اجتماعی و مدنی است. می‌توان حضرت فاطمه زهرا^(س) را نخستین زن واقفه در اسلام دانست [۱۸، ص ۶۲۱-۶۲۲]. در ایران نیز، پس از دوره صفوی و در ادامه در دوره قاجار وقف و تشکیلات آن رو به فزونی بوده و زنان نیز در عرصه وقف حضور فعال داشته‌اند؛ مثلاً، نزدیک به یک‌ششم از اسناد وقف‌نامه‌های موجود در اداره اوقاف اصفهان، به بانوان خیر و نیکوکار تعلق دارد [۴، ص ۹۸].

نظریه جامعه‌پذیری جنسیت

از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌پذیری روندی است که فرد را برای زندگی گروهی آماده می‌کند و نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت، نگرش، و رفتار او دارد و طی آن عناصر اجتماعی و فرهنگی درونی می‌شوند. مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که تقریباً در اکثر جوامع امروزی، با تکیه بر ارجح‌دانستن جنس مذکر، جامعه‌پذیری براساس جنس افراد صورت می‌گیرد [۳، ص ۲۸۸].

نهادهای جامعه‌پذیرکننده، که در هر جامعه‌ای وظیفه جامعه‌پذیر کردن افراد را برعهده دارند، عبارت‌اند از: خانواده، آموزش و پرورش، روابط گروه همسالان، و رسانه‌های جمعی [ص ۲۱، ۱۰۳]. جامعه‌پذیری جنسیتی نیز بخشی از این فرایند جامعه‌پذیری است که به وسیله آن نه تنها کودکان به موجودات اجتماعی تبدیل می‌شوند، بلکه افرادی با ویژگی‌های مردانه یا زنانه می‌شوند. در این وضعیت، جنسیت، دربردارنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان شایسته و مناسب است [ص ۲۷، ۲۷۳].

جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و به عوامل دیگری چون نظام آموزشی، گروه همسالان، و رسانه‌های همگانی بسط می‌یابد [ص ۲۵، ۹۴]. به عقیده لویی آلتوسر در کنسرت سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت، این مدرسه است که نقش مسلط را به عهده دارد؛ هرچند کسی صدای آن را نمی‌شنود، زیرا آرام می‌نوازد. او اهمیت مدرسه را در بازتولید مناسبات تولید و قدرت از سازوبرگ ایدئولوژیک سیاسی دولت، نظیر پارلمان و احزاب، هم بالاتر می‌داند [ص ۴۶-۵۲]. به عقیده وی «هیچ سازوبرگی از سازوبرگ‌های ایدئولوژیک دولت در چنین مدت درازی- سال‌های متمادی، پنج یا شش روز در هفته و هشت ساعت در روز- تمام کودکان نظام اجتماعی سرمایه‌داری را به عنوان شنونده (بی‌مزد و منت) در ید خود ندارد» [ص ۵۰، ۵۰].

بورديو نیز معتقد است مدارس وضعیت موجود و مناسبات قدرت را بازتولید می‌کنند. او در کتاب بازتولید خود (۱۹۷۰) مدرسه را به‌منزله محل تکرار و تسلسل نابرابری معرفی می‌کند. [ص ۳۶، ۹]. از نظر وی، مدرسه مهم‌ترین نهادی است که ساختارهای سلطه مردانه را بازتولید می‌کند [ص ۲۸، ۹].

در یک نظام آموزش و پرورش متمرکز، کتاب درسی در انتقال مفاهیم به دانش‌آموزان نقش محوری ایفا می‌کند. بنابراین نمی‌توان از تأثیر آن در فرایند درونی کردن هنجارهای جنسیتی نیز چشم پوشید. بلانت^۱ (۱۹۹۰) درباره کارکرد جامعه‌پذیری جنسیتی کتاب‌های درسی عنوان می‌کند:

کتاب‌های درسی در درون یک بافت قدرت ارائه می‌شوند. این بافت از یک‌سو نگرش کودکان درباره نقش‌های جنسیتی را شکل می‌دهد و از سوی دیگر به تقویت آن می‌پردازد. به این ترتیب، پیام‌های ارائه‌شده توسط کتاب‌ها، ذهن، و افکار دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و منجر به فراگیری نقش‌های جنسیتی می‌شود [ص ۱۳، ۱۲۵].

بنابراین، چارچوب تئوریک این پژوهش مبتنی بر این واقعیت است که مدرسه و کتاب‌های درسی از عوامل اصلی بازتولید مناسبات موجود جامعه و در پی آن مناسبات جنسیتی است و

نقش منحصربه‌فردی در درونی‌کردن استانداردهای فرهنگی و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کنند.

سؤال پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخگویی به این سؤال است که: بازنمایی نقش اجتماعی سیاسی برای زنان و مردان در کتاب‌های درسی دو مقطع ابتدایی و راهنمایی چگونه است؟

روش تحقیق

معمولاً شیوه متداول در پژوهش‌هایی که هدف آن مطالعه و تجزیه و تحلیل کمی منابع و داده‌های کیفی، به‌ویژه منابع مکتوب و تصویری (مثل کتاب‌های درسی) است، استفاده از تکنیک تحلیل محتواست. بر همین اساس، در این پژوهش نیز از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده و متون درسی با عنایت به نظریه نقش، جامعه‌پذیری جنسیتی، و مشارکت سیاسی و با توجه به مفاهیم اصلی که در این نظریه‌ها وجود دارد، بررسی شده است. هدف از کاربرد این روش، ارائه توصیفی نظام‌یافته و عینی از ویژگی‌های پیام‌هایی است که در کتاب‌های درسی ارائه می‌شود.

۱. **جامعه آماری و نمونه تحقیق:** کتاب‌های درسی فارسی (بخوانیم)، *تعلیمات اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، و هدیه‌های آسمانی* دوره ابتدایی و راهنمایی، که در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ در مدارس ایران تدریس می‌شدند، به دلیل آنکه ظرفیت بیشتری برای انتقال مفاهیم و ارزش‌های جنسیتی در متون نوشتاری و تصویری آن‌ها وجود دارد، به‌عنوان جامعه آماری این پژوهش انتخاب شدند و همه کتاب‌ها بررسی شدند. بنابراین، حجم جامعه و حجم نمونه باهم برابرند. شایان ذکر است که با توجه به تغییر ساختار دوره‌های آموزشی آموزش و پرورش، پایه اول راهنمایی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲ از سیستم آموزش رسمی کشور حذف و به جای آن پایه ششم اضافه شد. اگرچه قرار است پایه‌های دوم و سوم نیز طی سال‌های آینده حذف شود، از آنجا که این کتاب‌ها سال‌ها در سیستم آموزشی کشور تدریس شده‌اند، بررسی نقاط قوت و ضعف بازنمایی شاخص‌های جنسیتی در کتاب‌های دوره راهنمایی می‌تواند راهگشای اصلاح و تقویت بازنمایی این شاخص‌ها در تألیف کتاب‌های جدید باشد.

۲. **واحدهای تحلیل شده:** مهم‌ترین واحدهای مطالعه شده و تحلیل شده در این پژوهش و اجزای هر یک از این واحدها عبارت‌اند از: واحد عنوان (کتاب‌های درسی شش پایه دبستان و دو پایه راهنمایی در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲)، واحد متن (هریک از دروس مطرح‌شده در یک واحد تحلیل شده مانند درس «نان تازه» در کتاب *هدیه‌های آسمانی* پایه سوم دبستان)، واحد

ثبت (عناصر داخل متن شامل کلمه‌ها و عکس‌ها)، واحد شمارش (تعداد اسامی، کلمات، جملات، و تصاویر)، و واحد تحلیل (جنسیت که شامل مذکر یا مونث بودن است).

۳. ابزار و شیوه گردآوری داده‌های پژوهش: مطابق شیوه معمول در تحلیل محتوا، برای گردآوری داده‌های ضروری در این پژوهش، با توجه به مبانی نظری و همچنین مطالعه مقدماتی کتاب‌های درسی، مهم‌ترین مقوله‌های مربوط به موضوع پژوهش استخراج و سپس در قالب یک پرسشنامه معکوس تنظیم شد. سپس، گردآوری داده‌های ضروری پژوهش در چارچوب این مقوله‌های کلی انجام گرفت. با توجه به مبانی نظری و همچنین مطالعه مقدماتی کتاب‌های درسی تحلیل شده، این مقوله‌ها به منظور بررسی بازنمایی نقش اجتماعی- فرهنگی انتخاب شد: انجام‌دادن فریضه‌های دینی اجتماعی در یک جامعه دینی مانند امر به معروف و نهی از منکر، نوع اشتغال افراد، شرکت در فعالیت‌های هنری و ورزشی، نقش‌آفرینی سیاسی، نقش‌آفرینی در مواقع بحران مانند: دفاع از کشور در زمان جنگ یا فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی که جنبه نوع‌دوستی دارند مانند: امدادگری، تحصیل، اقدامات خیرخواهانه، و عام‌المنفعه مانند: وقف و انفاق و... داده‌ها به تفکیک متن و عکس و همچنین به تفکیک توصیفی یا هنجاری بودن گزاره‌ها جمع‌آوری شده است. در صورتی که واحد ثبت فقط به توصیف یک مقوله فارغ از ارزشگذاری به آن پرداخته باشد، با توجه به اینکه توصیف درباره زن یا مرد بوده، در قسمت توصیفی قرار گرفته و در صورتی که با مثبت‌نمایی در پی هنجارسازی از یک مقوله بوده، در قسمت هنجاری ثبت شده است. در هنجارسازی از یک مقوله، معمولاً یک مورد به‌منزله الگو و سمبل معرفی می‌شود که این الگو می‌تواند زن یا مرد باشد؛ مثلاً، تعریف و تمجید از «حسین فهمیده» و ایثارگری و شهادت او در پی هنجارسازی از مقوله «شهید» با یک الگوی مرد است. آنچه از این تفکیک به دنبال آن هستیم بررسی اعتبار گزاره‌های توصیفی و هنجاری است. شایان ذکر است معیار اعتبار توصیف مطابقت با واقعیت است و معیار اعتبار هنجار، داشتن ملاک و معیار علمی، نظری یا دینی است.

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مشخص شده در جدول ۱ تشریح شده است. درباره جدول ۱ ذکر این نکته لازم است که در مقوله انجام‌دادن فعالیت‌های ورزشی برخی عناوین با وجود یکسان بودن باهم تفاوت دارند. فعالیت‌های ورزشی به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم شده‌اند؛ مثلاً، ورزشی مانند کوهنوردی اگر با تجهیزات کامل و به صورت تخصصی انجام گرفته باشد، در قسمت کوهنوردی تخصصی و اگر بدون تجهیزات و صرفاً به صورت تفریحی انجام شود، در قسمت کوهنوردی عمومی ثبت شده است. جهت تلخیص ارائه یافته‌ها در جدول از ذکر زیرمقولات اجتناب شده، اما در تحلیل نتایج از آن‌ها استفاده شده است.

جدول ۱. فراوانی مقولات مربوط به نقش اجتماعی به تفکیک جنس، متن یا عکس بودن، و توصیفی یا

هنجاری بودن

زیرمقولات	زن				مرد			
	توصیفی		هنجاری		توصیفی		هنجاری	
	متن	عکس	متن	عکس	متن	عکس	متن	عکس
انجام دادن فریضه‌های دینی	۱۸	۲۳	۰	۰	۵۹	۱۰۹	۱	۰
شرکت در آموزش‌های گروهی (آموزش گیرنده)	۱	۳	۰	۰	۲	۳	۰	۰
امدادگری	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۰	۰
اشتغال	۲۳	۵۴	۰	۰	۱۱۱	۱۶۱	۱۳	۰
تحصیل	۲۶	۱۴۷	۰	۰	۶۳	۱۹۹	۰	۰
انجام دادن فعالیت‌های هنری	۳	۱۵	۰	۰	۱۴	۲۴	۰	۰
انجام دادن فعالیت‌های ورزشی	۲	۱۲	۰	۰	۷	۲۳	۰	۰
نقش‌آفرینی سیاسی	۵	۸	۰	۰	۴	۳۱	۰	۰
حضور در صحنه دفاع	۹	۱	۲	۰	۱۲۲	۴۸	۹	۰
امور خیریه و عام‌المنفعه	۲	۰	۰	۰	۱۲	۴	۱	۰

تحلیل داده‌ها

فعالیت‌های اجتماعی

مقوله «انجام دادن فریضه‌های دینی» دو زیرمقوله دارد. جالب توجه‌ترین نتیجه مربوط به زیرمقوله «امر به معروف و نهی از منکر» است که بازنمایی آن در کتاب‌های درسی شدت و ضعف دارد و از ایستادگی در مقابل ظلم حکومت جائز تا تذکر به ریختن زباله در محیط زیست را شامل می‌شود. در مجموع کتاب‌های درسی دوره دبستان و راهنمایی، در ۵۳ مورد به امر به معروف و نهی از منکر از سوی مردان اشاره شده، اما هیچ موردی برای زنان وجود ندارد. از بین موارد اشاره به این فریضه، در یک مورد با الگوسازی از یک مرد درباره امر به معروف و نهی از منکر هنجارسازی شده و بقیه موارد توصیفی‌اند. در زیرمقوله «شرکت در نماز جماعت» نیز تعداد موارد مربوط به مردان بیشتر از زنان است و این تفاوت بسیار فاحش است. در این قسمت شاهدیم که با وجود توصیه‌های مؤکد دینی در برپا داشتن مهم‌ترین مفهوم اجتماعی دین اسلام، یعنی فریضه حیات‌بخش امر به معروف و نهی از منکر، کتاب‌های درسی، زنان و دختران دانش‌آموز را بی‌تفاوت به محیط اجتماعی اطراف خود به تصویر می‌کشند و در سایر موارد فریضه‌های دینی اجتماعی مانند: شرکت در نماز جماعت نیز تناسب شایسته‌ای بین بازنمایی فریضه‌های درباره مردان و زنان وجود ندارد.

حضور مردان و زنان در آموزش‌های گروهی مانند کلاس‌های آموزشی فرهنگسراها، خانه‌های محله، یا کانون‌های پرورش فکری، تقریباً فراوانی یکسانی دارد. در این نوع از فعالیت‌های اجتماعی، همهٔ اشارات توصیفی است.

در مقولهٔ «امور خیریه و عام‌المنفعه» با وجود واقفان بزرگ زن در تاریخ گذشته و معاصر کشورمان و همچنین با وجود فعالیت‌های زنان کشور در امور خیریه، هیچ اشاره‌ای به این موارد نشده و فقط به دو مورد انفاق مستقیم زنان اشاره شده است و اشاره به انفاق مستقیم مردان هشت برابر زنان است. در زیرمقولهٔ «اهدای خون» نیز فقط در دو مورد به اهدای خون از سوی مردان اشاره شده است. در این قسمت نیز، همهٔ موارد اشاره به زیرمقوله‌ها توصیفی است. در این مقوله، برای هر دو جنس زنان و مردان فراوانی بسیار کمی را شاهدیم. از طرفی در بازنمایی نسبت انجام‌دادن کارهای عام‌المنفعه، با توجه به مطالبی که در بخش نظری دربارهٔ مقولهٔ وقف عنوان شد، زنان نقش مهمی در این زمینه داشته و دارند که از دید مؤلفان کتاب‌های درسی مغفول مانده است.

فعالیت‌های شغلی

دومین مقوله در جدول ۱ مربوط به «اشتغال» است. اشتغال مردان دامنهٔ وسیعی از مشاغل را دربرمی‌گیرد. بیشترین فراوانی مشاغل مردان به ترتیب مربوط به کشاورزی، فروشنده‌گی، معلمی، چوپانی، پزشکی، کارمندی، و پلیس راهنمایی و رانندگی است که سه شغل اخیر فراوانی یکسانی دارند. بیشترین فراوانی مشاغل زنان در این کتاب‌های درسی به ترتیب مربوط به معلمی، کشاورزی، پرستاری، مدیریت مدرسه، خیاطی، قالیبافی، و مربی‌گری کانون پرورش فکری است که دو شغل اخیر فراوانی یکسانی دارند. در مشاغل معلمی، مربی‌گری کانون پرورش فکری، پرستاری، و مدیریت مدرسه فراوانی حضور زنان بیش از مردان است و در مشاغل مشاورهٔ تحصیلی، پنبه‌ریسی، و قالیبافی فقط زنان حضور دارند. تعداد موارد اشاره به حضور زنان و مردان در مشاغل کتابداری، نمایندگی مجلس، و پژوهشگری نیز فراوانی برابری دارد. در سایر مشاغل موجود در کتاب‌های درسی مانند پزشکی، نویسندگی، استادی، خبرنگاری، فیلمسازی، مشاغل آزاد، و... یا زنان حضور ندارند یا فراوانی حضور مردان بیشتر از زنان است. نکتهٔ دیگر اینکه در پانزده مورد با الگوسازی از یک شخصیت مرد دربارهٔ یک شغل هنجارسازی شده و در بقیهٔ موارد، اشاره به اشتغال زنان و مردان توصیفی است.

از نظر تنوع شغلی در کتاب‌های درسی نیز زنان فقط در نوزده شغل به تصویر کشیده شده‌اند، درحالی‌که ۵۲ شغل برای مردان وجود دارد. این در حالی است که در جامعهٔ امروز محدودیت‌چندانی از نظر حضور زنان در مشاغل مختلف وجود ندارد و زنان به‌طور جدی در مشاغل مختلف حضور دارند. در قسمت بازنمایی مشاغل، کتاب‌های درسی با نقاط قوت و

ضعفی مواجه‌اند. اینکه زن و مرد در مشاغلی مانند نمایندگی مجلس یا پژوهشگری با فراوانی برابری به تصویر کشیده شده‌اند نقطه قوت است، اما در جای دیگری اینکه بیشتر پزشکان کتاب‌های درسی مردند و بیشتر پرستاران زن، صرف‌نظر از میزان تطابق این الگو با واقعیت خارجی، اگر این فرض را در ذهن دانش‌آموز نهادینه کند که زنان عموماً وردست مردان‌اند، تصویرسازی اشتباهی است. اگر مؤلفان محترم کتاب‌های درسی یکسان بودن زن و مرد را در قابلیت‌های شناختی و توانایی کسب مدارج عالی علمی و شغلی پذیرفته‌اند، لازم است در بازنمایی مشاغل زنان و مردان دقت بیشتری لحاظ دارند تا باعث شکل‌گیری خودپنداره جنسیتی اشتباه در دانش‌آموزان و به خصوص دختران دانش‌آموز نشود. از نظر تنوع شغلی نیز شاهدیم که زنان در کتاب‌های مطالعه‌شده در مقایسه با مردان گزینه‌های بسیار کمتری را برای انتخاب شغل دارند. از طرفی، هنجارسازی درباره مشاغل اشتباه است. هیچ شغلی بر دیگری برتری ندارد. در گزاره‌های دینی آنچه برای زن و مرد ارزش دانسته شده، تلاش برای کسب روزی حلال است. بنابراین، هنجارسازی از برخی مشاغل با الگوسازی از مردان، هم آن مشاغل خاص را بدون وجود مبنای معقول و مشروعی برتر از دیگر مشاغل نشان می‌دهد و هم جنس مرد را بهتر از زن.

فعالیت‌های تحصیلی

درباره مقوله «تحصیل» نیز همه اشارات توصیفی است و فراوانی اشاره به پسران دانش‌آموز حدود ۱/۵ برابر دختران دانش‌آموز است. در زیرمقوله تحصیل در مقاطع بالاتر و همچنین در تحصیلات حوزوی و دوره‌های آموزشی قدیم، مانند مکتب‌خانه، با وجود اشاراتی که به تحصیل مردان وجود دارد، هیچ موردی از اشاره به تحصیل زنان یافت نمی‌شود.

اوقات فراغت

در مقوله «انجام‌دادن فعالیت‌های فرهنگی-هنری»، همان‌طور که از جدول برمی‌آید، همه اشارات توصیفی است و حضور مردان در فعالیت‌های هنری پررنگ‌تر از حضور زنان است. بیشترین فراوانی انجام‌دادن فعالیت‌های فرهنگی-هنری برای زنان به ترتیب مربوط به نقاشی، سفالگری، تئاتر، و تولید صنایع دستی است که سه مورد اخیر فراوانی یکسانی دارند و بیشترین مورد فعالیت‌های فرهنگی-هنری مردان به ترتیب مربوط به فعالیت‌های نقاشی، تئاتر، شرکت در گروه سرود، و همچنین حفظ یا قرائت قرآن است. در فعالیت‌های عروسک‌گردانی، نویسندگی، و عکاسی فقط زنان و در فعالیت‌های خوشنویسی، شعرسرایی، و شرکت در گروه سرود فقط مردان حضور دارند. همچنین از نظر تنوع فعالیت‌های فرهنگی-هنری تعداد فعالیت‌های مربوط به زنان و مردان برابر است.

فعالیت‌های ورزشی

درباره «فعالیت‌های ورزشی»، مردان در ده رشته ورزشی تخصصی و زنان در شش رشته ورزشی تخصصی حضور دارند. در فعالیت‌های ورزشی عمومی نیز، درباره زنان بیشترین فراوانی مربوط به طناب‌کشی و درباره مردان بیشترین فراوانی مربوط به فوتبال است. به‌طور کلی، در فعالیت‌های ورزشی تخصصی و عمومی نیز همه اشارات توصیفی و حضور مردان بیشتر است. از نظر تنوع فعالیت‌های ورزشی تخصصی تعداد ورزش‌های زنان هفت و تعداد ورزش‌های مردان ده است. در فعالیت‌های ورزشی عمومی نیز، زنان در چهار و مردان در پنج ورزش به تصویر کشیده شده‌اند. در فعالیت‌های ورزشی در کتاب‌های درسی زنان بیشتر در فعالیت‌های ورزشی عمومی مانند طناب‌کشی و پیاده‌روی به تصویر کشیده شده‌اند. براساس دستورالعمل مرکز بین‌المللی پیشگیری و کنترل بیماری‌ها، همه افراد بزرگسال باید حداقل ۲٫۵ ساعت در هفته ورزش و فعالیت فیزیکی داشته باشند؛ اما اغلب افراد، به‌ویژه زنان، از ورزش کردن سر‌بازمی‌زنند. این بی‌حرکی برای اغلب زنان در سنین میانسالی عوارضی چون دردهای مفصلی، چاقی، و... را به همراه دارد. بنابراین، تشویق زنان به ورزش از سنین کودکی و نهادینه‌کردن عادت به ورزش در آن‌ها بسیار نافع خواهد بود. فعالیت‌های ورزشی گروهی مانند پیاده‌روی نیز نشاطی را به همراه می‌آورد که توأم با تخلیه انرژی، از بین‌بردن انرژی‌های منفی، فراموشی مقطعی زندگی پرمشغله امروزی و شادی است. به علاوه، واقعیت فعلی حضور رو به فزونی زنان و دختران ایرانی در عرصه ورزش‌های قهرمانی در داخل و عرصه‌های بین‌المللی است؛ چیزی که اساساً با تصویر بازنمایی شده از ورزش بانوان در کتاب‌های درسی همخوانی ندارد.

فعالیت‌های سیاسی

مقوله «نقش‌آفرینی سیاسی» نیز از مهم‌ترین بخش‌های جدول است. در این قسمت نیز، همه موارد اشاره به نقش‌آفرینی سیاسی برای زنان و مردان توصیفی است. همان‌طور که ارقام جدول نشان می‌دهد، بیشترین نوع نقش‌آفرینی سیاسی برای زنان شرکت در راهپیمایی‌های موضوعی است. زنان در احزاب و کابینه دولت هیچ نوع حضوری ندارند. به جز زیرمقوله «حضور در احزاب»، که برای مردان نیز فراوانی آن صفر است، فراوانی بقیه قسمت‌های مربوط به نقش‌آفرینی سیاسی مردان بیشتر از زنان است. بیشترین نوع نقش‌آفرینی مردان به ترتیب شرکت در راهپیمایی‌های موضوعی، حضور در کابینه دولت، و شرکت در انتخابات است. زیرمقوله «نماینده‌شدن» نیز در مردان چهار برابر زنان است. می‌توان گفت در کتاب‌های درسی زنان بسیار کمتر از مردان در انتخابات شرکت می‌کنند (حدود یک‌سوم) و بسیار کمتر به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شوند (حدود یک‌چهارم). فقط در زیرمقوله «شرکت در نماز جمعه» است که در آن فراوانی حضور زنان بیش از مردان است.

گرچه نقش‌آفرینی زنان در عرصه سیاسی متفاوت از مردان است و زنان در عالم واقع نیز بیش از اینکه وزیر و وکیل باشند حساسیت‌های خود به مسائل جاری جامعه‌شان را بیشتر در قالب فعالیت‌هایی چون راهپیمایی یا حضور در عرصه انتخابات نشان می‌دهند، مؤلفان کتاب‌های درسی باید مراقب نحوه بازنمایی این موضوع باشند. حذف زنان از عرصه‌هایی مانند نماینده شدن شاید به نحوی قابلیت زنان را در چنین زمینه‌هایی زیر سؤال ببرد.

در مقوله «حضور در صحنه دفاع» شاهدیم که ۷۵ مورد اشاره به شهدای مرد وجود دارد و تنها به دو شهید زن اشاره شده است. بیشترین فراوانی حضور زنان در عرصه دفاع مربوط به مداوا و التیام‌بخشی مجروحان، فعالیت‌های پشت جبهه، و خانواده شهید است. در این مقوله، برای زنان ده مورد و برای مردان ۱۷۰ مورد اشاره توصیفی را در کتاب‌های درسی شاهدیم؛ اما در کنار این توصیف‌ها، در دو مورد با الگوسازی از یک زن و در شش مورد با الگوسازی و مثبت‌نمایی از یک مرد برای شهادت و رزمندگی هنجارسازی شده است.

بازنمایی مقوله «حضور در صحنه دفاع» بسیار نامتوازن است. واقعیت این است که تعداد شهدای زن بسیار کمتر از شهدای مرد است، اما نقش بی‌بدیل زنان در فعالیت‌های پشت جبهه و نیز در مواقع لزوم، به دوش کشیدن بار مضاعف وظایف همسران در زندگی و گسیل فرزندان و همسران به میدان نبرد و تحمل فداکارانه مصائب این نوع زندگی، نقشی کاملاً زنانه است که توجه بیشتری را در کتاب‌های درسی می‌طلبد. در کنار حدود ۱۶۰ موردی که به ایشارگری مردان در عرصه دفاع، چه در قالب شهید و چه رزمنده پرداخته شده، در همه کتاب‌های درسی که تحلیل محتوا شد، فقط شاهد دوازده مورد نقش‌آفرینی زنان در عرصه دفاع هستیم. البته در سال‌های اخیر، معرفی زنانی چون فرنگیس حیدری و شهیده سهام خیام در کتاب‌های درسی شایسته توجه است و شاید این آغاز یک حرکت تدریجی برای به تصویر کشیدن نقش واقعی و غرورآفرین زنان در عرصه دفاع از کشور و ارزش‌های دینی و انسانی باشد، اما لازم است در این مسیر هم به کمیت توجه شود و هم به کیفیت. به این معنا که گرچه لازم نیست نسبتی برابر بین معرفی تعداد شهدای زن و مرد وجود داشته باشد، این نسبت ضمن آنکه حداقل باید متناسب با واقعیت باشد باید متوجه نوع نقش‌آفرینی متفاوت زنان در این عرصه با مردان باشد و از بازنمایی نقش‌های زنانه نباید غفلت شود.

نتیجه‌گیری

مطالعه تاریخی نسبت به حضور زنان در عرصه اجتماعی نشان می‌دهد که امروزه دایره حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی بسیار گسترده است. بخشی از این حضور تابع تغییرات ساختاری است که در سال‌های گذشته رخ داده است و بخشی نیز تابع تغییر نگرش‌هاست. امروزه زنان بیشتر از گذشته به خودباوری دست یافته‌اند و از طرفی مردان با حضور زنان در عرصه‌های

اجتماعی عناد آشکاری ندارند. بسیاری از قوانین اجتماعی که در گذشته به مثابه موانعی فعالیت‌های اجتماعی زنان را محدود کرده بود، تغییر کرده یا منسوخ شده است. اما موانع غیررسمی هنوز در نوع تعاملات اجتماعی، کتاب‌های درسی، و واگذاری فرصت‌های اجتماعی نمود می‌یابد و فعالیت‌ها و قابلیت‌های زنان را جزئی می‌داند یا در مواردی انکار می‌کند. با تأکید بر کلیشه‌های قالبی و بازنمایی الگوهای غیرواقعی و نامتوازن، کتاب‌های درسی می‌تواند موجب اختلال در پروسه جامعه‌پذیری نسل جوان شود. تصورات مبتنی بر جنسیت، که در کتاب‌های درسی به نمایش گذاشته می‌شود، یا با واقعیت موجود جامعه چندان سازگاری ندارد یا اگر سازگاری دارد، فرصتی برای تغییر ایجاد نمی‌کند. مدرسه و معلومات آن، از جمله کتاب‌های درسی، نقش مهمی در انتقال فرهنگ و فرهنگ‌سازی دارند. بنابراین، در ارائه مطالب به کودکان و نوجوانان باید این امر مهم را در نظر بگیرند که اصلاح بی‌عدالتی جنسیتی در گرو بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی و نقد و بررسی منصفانه آن‌هاست. نگاهی غیرواقعی و جنس‌گرایانه می‌تواند الگوهای مربوط به مناسبات جنسیتی را به صورت نامتوازی در اختیار کودکان و نوجوانان قرار دهد و با توجه به سادگی منطق ذهنی کودکان، الگوهای نامتوازن را برای آن‌ها باورپذیر و آن‌ها را در یک آگاهی واهی درگیر کند؛ چیزی که بعدها در بزرگسالی اساس ارتباط آن‌ها با دنیای اطرافشان خواهد شد.

واقعیت آن است که دایره حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی در جامعه امروز بسیار گسترده شده و فعالیت‌های اجتماعی متنوعی را دربر گرفته است. هرچند این میزان از حضور در مقایسه با مردان قابل قیاس نیست، نادیده گرفتن همین مقدار از این واقعیت اجتماعی و بازتاب‌ندادن آن در توصیفات صورت گرفته از نقش اجتماعی-سیاسی زنان در کتاب‌های درسی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. همچنین هیچ مبنایی برای استفاده بیشتر از یک جنس در هنجارسازی از ارزش‌های مورد قبول جامعه (مردان بیشتر از زنان) وجود ندارد. بنابراین، مجموع گزاره‌های توصیفی و هنجاری موجود در کتاب‌های درسی به بازنگری جدی نیاز دارند تا بتوانند خودپنداره جنسیتی صحیحی را در دختران دانش‌آموز ایجاد کند و آن‌ها را به سمت الگوهای مورد قبول جامعه سوق دهند. همچنان که می‌تواند در پسران زمینه درک بهتر و تعامل سازنده‌تر آن‌ها را با حضور و فعالیت اجتماعی زنان در بزرگسالی‌شان فراهم کند.

منابع

- [۱] آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ۳، تهران: سروش.
- [۲] ابن بابویه، محمد بن علی (الصدوق) (۱۳۶۲). *امالی*، ترجمه خلیل کمره‌ای، تهران: کتابخانه اسلامی.
- [۳] ابوت، پ. والاس، ک. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.

- [۴] احمدی، زهت (۱۳۷۶). «وقف‌نامه‌های بانوان در دوره صفوی»، *مجله وقف میراث جاودان*، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۹۸-۱۰۳.
- [۵] آلتوسر، لویی (۱۳۸۷). *ایدئولوژی و سازوگرهای ایدئولوژیک دولت*، ترجمه روزبه صدرآرا، تهران: چشمه
- [۶] باقری، شهلا (۱۳۷۵). «بررسی تأثیر خصوصیات اقتصادی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آن‌ها در باب نقش اجتماعی زن»، *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۵۹-۱۸۰.
- [۷] ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- [۸] سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰). *شورای عالی انقلاب فرهنگی*.
- [۹] شویره، کریستین؛ فونتین، اولیویه (۱۳۸۵). *واژگان بوردیو*، ترجمه مرتضی کتبی، تهران: نی
- [۱۰] رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۸۳). *ترجمه غررالحکم و دررالکلم آمدی*، ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۱۱] رضایی، م.؛ کاشی، غلامرضا (۱۳۸۵). «چالش‌های بازتولید هژمونی دولت از طریق گفت‌وگو در مدرسه»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی*، س ۶، ش ۴، ص ۳۴-۵۸.
- [۱۲] حسینی، حسن؛ دشتی، منصوره (۱۳۹۱). «بازنمایی کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه ادبیات داستانی آل احمد». *مجله جهانی رسانه*، ش ۱۳، ص ۲۷-۶۴.
- [۱۳] حجازی، الهه (۱۳۸۷). «اصلاح سیمای زن در کتاب‌های دوره ابتدایی: راهی به سوی دستیابی به فرصت‌های برابر». *فصلنامه تعلیم تربیت*، ص ۱۲۲-۱۴۵.
- [۱۴] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۵] عبداللهی، محمد (۱۳۸۷). *زنان در عرصه عمومی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۶] عضدانلو، حمید (۱۳۸۴). *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران: نی.
- [۱۷] علاسوند، فریبا (۱۳۹۰). *زن در اسلام*، ج ۲، قم: هاجر.
- [۱۸] قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۵). *فاطمه زهرا از ولادت تا شهادت*، ترجمه حسین فریدونی، قم: نشر مؤلف.
- [۱۹] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *اصول کافی*، ترجمه جواد مصطفوی و هاشم رسولی، ج ۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- [۲۰] کوهن، بروس (۱۳۸۷). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- [۲۱] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی*، ترجمه م. صبوری، تهران: نی.
- [۲۲] لاروک، پیر (۱۳۵۸). *طبقات اجتماعی*، ترجمه ایرج علی‌آبادی، تهران: فروردین.
- [۲۳] ناجی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۲). *موانع مشارکت زنان*. تهران: کویر.

- [۲۴] نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، تهران: رایزن.
- [۲۵] هومین‌فر، ا. (۱۳۸۲). «تحول جامعه‌پذیری جنسیتی»، پژوهش زنان، ش ۷، ص ۸۹-۱۱۴.
- [26] www.nkhdoe.ir/nqsh-znan-dr-hfazt-mhyt-zyst/ (۱۳۹۲/۶/۵)
- [27] Stanley, L., & Wise, S. (2002). What's wrong with socialization?. In S. Jackson and S. Scott (Eds.) *Gender: A sociological reader*. (pp. 273-279). London: Routledge.

